

گزارش از نخستین سیمینار ولکچر علمی
برای اعضای گفتمان ملی افغانستان
مورخ: سوم فبروری 2023

طبق پلان مشترک هیئت اجراییه و کمیسیون نشرات و تحلیل واریابی گفتمان ملی سیمینار علمی و سیاسی به شکل لکچر و تبادل نظر در یک نشست zoom اجرا و تحقق یافت. سخنران ولکچر دهنده اصلی پروفیسور دوکتور زمان ستانیزی استاد رشته عرفان والهیات در پوهنتون مطالعات عالی پاسفیکا در کلیفورنیا، سابق استاد پوهنتون کابل و معاون گفتمان ملی افغانستان بودند. درکنار ایشان آقای جمشید پایمرد معاون گفتمان ملی و صدیق وفا مسئول کمیسیون نشرات، تحلیل واریابی در سازماندهی و پیشبرد این تبادل نظر و سیمینار سهم داشتند. اعضا و اشتراک کننده گان تا ساعت 19:00 شام گردهم آمدند و نشست با سخنان آقای پایمرد در رابطه به اهمیت چنین برنامه ها غرض ارتقای سطح آماده گی اعضای گفتمان ملی و آشنایی بیشتر با خط فکری و درونمای کاری این نهاد و همچنان استقبال و خوش آمدید به شرکت کننده ها و حضور استاد ستانیزی آغاز یافت.

سپس از صدیق وفا تقاضا نمود تا برنامه را گرداننده گی نماید. نخست اجندای مطروحه طور آتی پیشکش گردید. موضوع لکچر: اوضاع جاری افغانستان، موضعگیری های جهانی و منطقوی، راههای برون رفت.

- 1- تئوری عدم تشدد، گفتمان و اعتدال پسندی چیست؟
- 2- آیا بدیل جاگزین برای تشدد و خشونت وجود دارد؟ اگر ندارد چه باید کرد؟
- 3- سوالات، پیشنهاد ها و نظریات شرکت کننده ها.
- 4- جمعبندی و نتیجه گیری

بعد از آن که میکانیزم و طرز پیشبرد اعلام شد. به ارتباط اجندا داخل تبادل نظر و استماع لکچر شدیم. استاد ستانیزی بحیث یک شخصیت اکادمیک چنانچه خود گفتند به بُعد سیاسی مسئله کمتر اما به بُعد علمی بخصوص چگونگی پیدایش خشونت در جهان و در کشور ما که ناشی از جهالت میباشد توضیح دادند.

ایشان گفتند:

ما اینجا گفت و شنود مینمایم تا دیدگاه خود را بیان و روزنه یی را جستجو و از سر درگمی نجات یابیم. "من هفته قبل در برنامه (هنداره- پنداره) رادیو تلویزیون وطن در رابطه به "قداست" واز جمله قداست زن سخن و حرفی داشتیم. آن مطلب و مساله خشونت و عدم خشونت با هم مرتبط است. عدم تشدد از حالت نورمال برون شدن میباشد، زیرا اصل بشریت با تشدد، خشونت و تقابل و زور آزمایی آغاز و ادامه یافته است."

به ادامه مثالی آوردند:

در قبیله ماسای افریقا هنگام انتخاب همسران شان، دختران یک طرف و پسران طرف دیگر می ایستادند. بچه ها خیز می زدند و هرکی خیز بلند تر میزد مورد توجه قرار میگرفت، زیرا در آن وقت به



مردان نیرومندی نیاز بود تا خانواده و جامعه را از آفات طبیعی و اجتماعی در امان داشته باشند. از اینجا بود که زور، قوت و قدرت وارد مناسبات بشری شد. روی این برهان عدم تشدد به معنی مخالفت با روال جاری جامعه و نبود ابزار و وسایل خشونت محسوب شد. همچنان از چنین نکته پی "مردانه گی" که روی تفاوت جسمانی استوار بود روی کار آمد، اما "زنانه گی" شرم پنداشته میشد و تا امروز چنان است، اما حقیقت آنست که زنان حیات بخش اند. وقتی که میگویم زن حامله است، باید از خود سوال نماییم که زن چه را حمل میکند، واضحست که حیات وزنده گی یک انسان دیگر را حمل میکند و بسر می رساند.

با برداشت ما دوکتور ستانیزی از نظر علمی توضیحات دادند که ریشه تشدد و خشونت از کجا و چگونه بوجود آمد؟ ایشان از تاریخ پیدایش بشر و از وقتی که تفاوت در هویت انسان از نظر جنسیتی پیدا گردید و تفوق فیزیکی مرد بر زن و مساله مرد سالاری شروع گردید با اسطوره سازی مرد، "مردانه" معادل و معیار انسان برتر، مرد را خشن و جنگ سالار بوجود آورد و خشونت و زور گویی بیان شجاعت انسان از جنس مرد، جنس با حق بیشتر و برتر را تبارز داد و این تفوق جنسیتی ناشی از جهالت و عقب مانده گی جامعه بود.

استاد ستانیزی از زرتشت (مردی با شتر زرد) از شوالیه هادر فرانسه و از سوارکاران اسپ که در جنگها و فتوحات نقش داشتند بطور مثال یاد آوری نموده افزودند که در کشور ما "مردانه گی" معادل انسانیت و برتری ما مردان شمرده میشود و قسم به "مردانه گی" خورده میشود نه به "زنانه گی". مردان جبون را زن صفت میگویند، زن را حقیر میشمردند، تاریخ بشر این مسیر را پیموده است، در حالی که زن تقدس دارد "زنانه گی" زنان در بسیاری خصوصیات و سجایا برتر از مرد است. به این ترتیب علل خشونت در جامعه عقب مانده ما و اعمال ضد تمدنی مجاهد و طالب را در مقابل زنان و بالاخره قوانین افراطی و بنیاد گرایانه طالبان راناشی از عقب مانده گی جامعه و تسلط ذهنیت روستایی عقب ماند بر شهر و بر تمدن دانستند.

طوری که قهرمان سازی در تاریخ اسلام و جهان واقع شده که مردان با صفات "شاه مردان"، "شیر خدا"، "جنگجو"، "رزم آور" و غیره یاد شده اند، مردانه گی معادل انسانیت حساب میشد، خدایان هم مرد صفت و جنگاور بودند، اما تاریخ الهه ها را نیز به یاد دارد که برای صلح و آشتی می رمزیدند، در اسلام جنگ را بد ولی جهاد را خوب گفته اند. به این ترتیب هزاران سال جنگ و خشونت بوده است.

حیوانات بخاطر امرار حیات شان مجبور هستند. تا شکار کنند و هم نوع خود را نه کشند. اما در انسانها بخاطر رسیدن به منافع و سلطه خویش در طول دوره های تاریخی هموعان خویش را قربانی کرده و به قتل رسانیده اند و از راه ایجاد تبعیض فرهنگی، نژاد و رنگ پوست، زبان، طرز زندگی و عقاید آنها و عوامل اجتماعی و منافع مادی مورد خشونت و کشتار قرار داده اند، به توهین فرهنگ و طرز زنده گی آنها پرداختند و ذهنیت های مخرب تشدد و خشونت را پیشه کردند. حال چگونه میتوانیم به عدم خشونت، اعتدال و تبدیل گذار نماییم؟

امروز گروه حاکم در کشور از برداشت خویش در باره "جهاد، شریعت و بهشت" صحبت نموده در حالیکه انسانهای معمولی دیگر از منطق عقل و دانایی انسانی حرف میزنند و به جای جنگ راه حل دیگر را پیشنهاد می کنند که گفتمان ملی راه مذاکره، تفاهم و اعتدال که در آن سیاست عدم تشدد ارجحیت یافته و در نمونه معاده صلح عدیبیه مدینه با قریش مکه میان پیامبر اسلام و یاران اش با سران قریش که ده سال مکمل پیمان صلح دو طرف بود یاد آور شدند.



دوکتور ستانیري، راهبې مبارزه عليه خشونت و عقب مانده گي و ذهني روستايي را توضيح دادند و بر ضرورت اتخاذ اقداماتي تاکيد کردند که نبايد تشدد و خشونت طالبان تحريك گردد بلکه اسلحه آنها که دين است بايد از دست آنها گرفته شود و مسجد را بايد به مرکز تجمع مردم و مقابله خاموشانه و با شيوه عدم تشدد استفاده کرد. زيرا مردم نه توان و نه امکان مقابله با زور و اسلحه رادارند و نه بدیل ديگر وجود دارد.

بدین جهت بايد گفتمان و فشار مدني و بين المللي باعث تغير در تصاميم طالب گردد، آنها بايد با مدنيت تغير يابند و اصلاح گردند، نبايد با عدم داشتن قدرت به خشونت که باعث کشتار مردم ميشود اقدام کرد. بلکه بايد جنبش عدم خشونت و تشدد را تقويت کرد. کارمندان وزارت های مهم چون وزارت ماليه يا گمرکات به کار نروند، رکود در دستگاه طالبان بوجود بياوريم انحصار قدرت را از دست طالبان بايد کشيد، در شهر ها مدنيت وجود دارد از راه شهر ها پيش برويم، در نمازهای روزهای جمعه مردم به رسم احتجاج در مساجد جمع کردند و با سکوت راه داخل شهر را بسته کنند و اين حرکات سراسري سازمان داده شود.

امارت و حاکميت سياسي در قرآن وجود ندارد امارت در اسلام بدعت است، توسط علمای دين به مردم تفهيم کنیم که اعمال طالبان مطابق قرآن نيست بل اينها براساس احاديث عمل میکنند که اين احاديث حقيقت روايت محمد نبوده و اسلامي نيست

- بعد از استماع سخنان استاد ستانيزي در بخش سوالات، پيشنهاد ها و نظريات محترم شير پاسدار با توضيح فشرده پاليسي کنوني گفتمان ملي سوال کردند که هر گاه شوراي انسجام گفتمان ملي با استراتيزي کنوني خویش يعنی سياست عدم تشدد به جای نرسد و طالبها حاضر نشوند به مطالبات و خواست های برحق مردم تمکين کنند، پاسخ و کژنش تاريخي برای مردم چه خواهد بود؟، زيرا قرائت طالب ها از شريعت اسلامي موقف و برداشت روشن خودشان را دارند؟

ستانيزي روشهای ديگري مانند: اعتصاب در مساجد، کارگيري از تلفونهای همراه، بايکوت مردان و نرفتن بقيه زنان به کار و وساير متود های مسالمت آميز را توصيه کرد.

صديق وفا منحيث گرداننده سهم گرفت و به توضيحات بيشر طبق پرسش پاسدار پرداخت و گفت: به گمانم هدف پاسدار آنست که اگر اين روشهای موثر نباشد بيشر چه بايد کرد؟ در اينصورت مطابق وضعيت در تاکتيک و حتی استراتيزي گفتمان ملي تعديل رونما خواهد شد، طوري که ميدانيم: ديدگاه و خط مشي گفتمان ملي برای یک دوره پلان شده از یک مجمع عمومي تا مجمع عمومي ديگر سنجيده شده است، هر روز و هر ساعت امکان تغيير اوضاع متصور است در آن صورت گفتمان ملي نیز در ديدگاه و اهداف خود در چوکات طرح نخستين و هشتم که شامل حراست از حاکميت ملي، تماميت و استقلال، انتخابات آزاد، به میان آمدن قانون اساسي با تدوير لويه جرگه، حمايت از حقوق شهروندی و سياست خارجي دارای بيطرفي فعال و تعامل با جامعه جهاني ميباشد. تغيراتي به میان خواهد آورد.

- سپس خانم مسعوده قاضي گفت در کنار عدم تشدد ما چه کمي به تعليم و تحصيل دختران ميتوانيم؟ چه راهکار ميتواند موثر باشد؟ وی با توضيح وضعيت گذشته و تظاهرات زنان و دختران کشور و شهر کابل از مردان که حضور نيافتند و علاقه نگرفتند انتقاد نمودند.

در رابطه با رد جنگ و تاييد سياست عدم تشدد بيان کردند که تجربه نشان داد که استاد مشعل و يکده استادان ديگر پوهنتونها اعتصاب نمودند اما برای حاکمان سرپرست اين اعتصابات نتيجه لازم نداد و در مقابل آن بی تفاوت ماندند و معلوم نيست که اينها به کدام سرنوشت دچار خواهند شد؟



پاسخ استاد: ما نمی توانیم یک کشور چهل میلیونی را که هر روز قربانی میدهد از راه دور کمک نمایم. خواهر های ما چند بار مظاهره نمودند، همه شمول نبود. اعتصاب ها و عکس العملها باید همه گانی باشد وحد فاصل بین پشتون وتاجیک در آن نباشد، تنظیم هرکار عملی و کمک دشواری های خود را دارد. اما مردان در همبستگی با حقوق و خواست های زنان باید بطور جمعی و مشترکاً در اعتصابات و تظاهرات شهر ها شرکت کنند و همبستگی نشان دهند و به کار ها نروند تا فشار بر حکومت طالب ها بیشتر گردد.

- سپس آقای غلام سرور نیازی چهار سوال را مطرح داشت: طالب بدیل دارد؟، طالب اصلاح پذیر است؟ طالب قدرت را به کسی تسلیم میکند؟ مقاومت در برابر طالب راه حل است یا چگونه؟
- استاد پاسخ به این پرسش ها را نسبت مشکل تخنیکي در انترنیت که داشت بعد تر در نتیجه گیری داد.

- انجنیر واسع امیر معاون گفتمان ملی نسبت مشکل انترنیت خواست نظریات خود را در صفحه نشر کند.

- آقای گلزار کاووش پیشنهاد نمود که چگونه افغانهای خارج از کشور را در تحقق اهداف گفتمان ملی بسیج و آماده کنیم و کدام وظیفه در برابر ما قرار دارد؟ آیا ما می توانیم با راه اندازی یک نامه سرگشاده عنوانی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و وزارت خارجه امریکا که در آن وضعیت بعد از پروتوکول دوحه با طالبان تا امروز بیان شده و حاوی مطالبات مشخص باشد از سوی گفتمان ملی به زبان انگلیسی ترتیب و بعد از جمع آوری امضا ها از سوی رهبری گفتمان ملی به مراجع یاد شده ارسال شود. - صدیق وفا پاسخ ارایه و اظهار نمود، که جنین اعلامیه ها و پیامها از جانب گفتمان ملی به مراجع سازمان ملل، مقامات امریکا و اروپا صادر شده است، اما این پیشنهاد را علیحده مورد بحث قرار خواهیم داد.

- در وفقه بنابر تقاضای گرداننده آقای پایمرد رشته سخن را گرفت و در مورد برداشت های خود از سخنان استاد گفت: انسان ها در کرکتر خود تشدد را عجبین دارند، عدالت ندارند، در جامعه عقبمانده ما چگونه میتوان از خشونت انکار کرد؟

رویکار آمدن طالبان و حاکمیت آنان را در مقطع کنونی مردم افغانستان انتظار نداشتند، ما با یک وضعیت تازه مواجه هستیم، نه امریکا و نه اروپا در غم مردم افغانستان هستند، جامعه جهانی طالب را میپذیرد و ما شما را همان مردم دهات سیکولار گفته نمی پذیرند، به خاطر داشته باشید ما نماینده گان مردم نیستیم و آنان ما را به رسمیت نمی شناسند.

این درست است که روشنفکران پیشاهنگ هستند و باید مردم را آگاه ساخته و بدنبال خود بکشاند. این در صورتی است که ما راه حل را بدانیم، اتحاد بزرگ ملی و یک صدای کلان را به میان بیاوریم. - در بخش دیگر آقای نجیب الرحمن شمال از نتیجه مذاکره خود یا یک حلقه دیگر گزارش داد که تفصیل آنرا در جای لازم ارایه خواهند داشت.

جمع بندی و نتیجه گیری:

ما در رابطه به چگونگی وضعیت و کار برد اندیشه و طرز دید عدم تشدد و عدم خشونت و کار برد آن برای ایجاد بدیل جنگ و منازعه گفتیم و شنیدیم. سیاست عدم خشونت گرچه جهانی و همه شمول نشده است، اما برای رهایی از جنگ و تشدد با نمونه های کاندی و خان عبدالغفار خان حداقل برای منطقه ما یک روزنه است، گرچه تجاری در افریقا با نقش ماندیلا و در امریکا با سهم مارتین لوتر کینگ وجود دارد.

به پاسخ یک پرسش: طالبان انعطاف پذیر نیستند، اما چه کنیم که انعطاف پذیر شوند، طالبان بدیل



ندارند، اما فقط با سیاست عدم تشدد میتوانیم بدیل طالبان را دریافت نمایم. مقاومت مدنی و مسالمت آمیز راه معقول است.
در نتیجه: حل این مسایل و رسیدن به حقوق مردم افغانستان کار یک روزه نیست، ما باید در جستجوی راههای نو نیز باشیم، تغییرات مثبت در نظر و عمل گفتمان ملی یکی از راههاست!
در پلان بود که لکچر و سیمینار علمی و سیاسی در ظرف یکنیم الی دوساعت پایان یابد اما بنابر علاقمندی ها و اندک مشکل تخنیکي سه ساعت دوام یافت .

با حرمت

کمیسیون نشرات، تحلیل و ارزیابی

